

پرتوی از نور

نویسنده: لیلا کامرانی

سرشناسه : کامرانی، لیلا، ۱۳۵۳-
 عنوان و نام پدیدآور : پرتوی از نور
 مشخصات نشر : تهران: شاپرک سرخ، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۲۱۰ ص.
 شابک : 978-600-7770-54-2
 وضعیت فهرست نویسی : فبیای مختصر
 یادداشت : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی:
<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
 شماره کتابشناسی : ۲۸۱۲۵۸۹
 ملی



عنوان: پرتوی از نور
 نویسنده: لیلا کامرانی
 نوبت چاپ: اول بهار ۱۳۹۴
 ناشر: شاپرک سرخ
 چاپ و صحافی: شاپرک
 شمارگان: ۱۰۰۰
 قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

شماره شابک: ۲-۵۴-۷۷۷۰-۶۰۰-۹۷۸

انتشارات شاپرک سرخ: تهران، میدان انقلاب اسلامی، ابتدای خیابان آزادی، کوچه شهید جنتی، پلاک ۲۴ واحد ۱

۰۹۱۲-۲۱۴۴۶۰۰

۰۲۱-۶۶۹۳۷۴۶

www.shaparac.com

(مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ)

حکیمی که خود ناگفته ها را می داند و ننوشته ها را می خواند ، دل‌های رنج دیده را در می یابد و عقده های تیرین را می گشاید نیک آگاه است که نسبت به کرامتش و بی کراتی الطافش و مهر اهورایی اش وجودم لبریز سجده است و غرق در نیاز.

خداوند را شاکرم که هرچند شایسته ی او بندگی نکردم ولی الطاف ی کران خود را شامل حال بنده کرد تا مدتی در بین اصحاب علم و ادب بوده و در خدمت آنان زانوی ادب بر زمین زده و از محضرشان کسب فیض نمایم.

ولیکن مقصد درگاه الله بود و پای عشقش در میان و ماحصل ، رساله ای تحت عنوان «مقایسه ی محتوایی جلد اول کشف الاسرار با سه تفسیر تخصصی شیعه».

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۱۱	چکیده
۱۲	پیش گفتار
۱۵	زندگی نامه ی ابوالفضل میبیدی
	معرفی اجمالی ترجمه ی تفسیر طبری
	معرفی اجمالی تفسیر روح الجنان و
۱۹	روح الجنان
	کلیات
	هدف و پیشینه ی تحقیق
	روش کار

سوره ی فاتحه

۲۲	آیه ی ۱
۲۳	آیه ی ۲
۲۴	آیه ی ۳
۲۴	آیه ی ۴
۲۵	آیه ی ۵
۲۶	آیه ی ۶
۲۷	آیه ی ۷

سوره ی بقره

۲۹	آیه ی ۱
۲۹	آیه ی ۲
۳۰	آیه ی ۳
۳۲	آیه ی ۴
۳۲	آیه ی ۵
۳۳	آیه ی ۶
۳۴	آیه ی ۷
۳۵	آیه ی ۸
۳۶	آیه ی ۹
۳۷	آیه ی ۱۰
۳۷	آیه ی ۱۱
۳۸	آیه ی ۱۲
۳۹	آیه ی ۱۳
۴۰	آیه ی ۱۴
۴۱	آیه ی ۱۵

۴۲	آیه ی ۱۶
۴۳	آیه ی ۱۷
۴۴	آیه ی ۱۸
۴۵	آیه ی ۱۹
۴۶	آیه ی ۲۰
۴۷	آیه ی ۲۱
۴۸	آیه ی ۲۲
۴۹	آیه ی ۲۳
۵۰	آیه ی ۲۴
۵۱	آیه ی ۲۵
۵۲	آیه ی ۲۶
۵۳	آیه ی ۲۷
۵۵	آیه ی ۲۸
۵۶	آیه ی ۲۹
۵۷	آیه ی ۳۰
۵۸	آیه ی ۳۱
۵۹	آیه ی ۳۲
۵۹	آیه ی ۳۳
۶۰	آیه ی ۳۴
۶۱	آیه ی ۳۵
۶۲	آیه ی ۳۶
۶۳	آیه ی ۳۷
۶۴	آیه ی ۳۸
۶۵	آیه ی ۳۹
۶۵	آیه ی ۴۰
۶۷	آیه ی ۴۱
۶۸	آیه ی ۴۲
۶۹	آیه ی ۴۳
۶۹	آیه ی ۴۴
۷۰	آیه ی ۴۵
۷۱	آیه ی ۴۶
۷۲	آیه ی ۴۷
۷۳	آیه ی ۴۸
۷۳	آیه ی ۴۹
۷۴	آیه ی ۵۰
۷۵	آیه ی ۵۱
۷۶	آیه ی ۵۲

۷۷	آیه ی ۵۳
۷۸	آیه ی ۵۴
۷۹	آیه ی ۵۵
۸۱	آیه ی ۵۶
۸۱	آیه ی ۵۷
۸۲	آیه ی ۵۸
۱۲۸	آیه ی ۱۱۰
۱۲۸	آیه ی ۱۱۱
۱۲۹	آیه ی ۱۱۲
۱۳۰	آیه ی ۱۱۳
۱۳۱	آیه ی ۱۱۴
۱۳۲	آیه ی ۱۱۵
۱۳۲	آیه ی ۱۱۶
۱۳۳	آیه ی ۱۱۷
۱۳۴	آیه ی ۱۱۸
۱۳۵	آیه ی ۱۱۹
۱۳۵	آیه ی ۱۲۰
۱۳۶	آیه ی ۱۲۱
۱۳۷	آیه ی ۱۲۲
۱۳۸	آیه ی ۱۲۳
۱۳۹	آیه ی ۱۲۴
۱۴۰	آیه ی ۱۲۵
۱۴۲	آیه ی ۱۲۶
۱۴۲	آیه ی ۱۲۷
۱۴۳	آیه ی ۱۲۸
۱۴۴	آیه ی ۱۲۹
۱۴۵	آیه ی ۱۳۰
۱۴۶	آیه ی ۱۳۱
۱۴۷	آیه ی ۱۳۲
۱۴۸	آیه ی ۱۳۳
۱۴۸	آیه ی ۱۳۴
۱۴۹	آیه ی ۱۳۵
۱۵۰	آیه ی ۱۳۶
۱۵۰	آیه ی ۱۳۷
۱۵۱	آیه ی ۱۳۸
۱۵۲	آیه ی ۱۳۹
۱۵۳	آیه ی ۱۴۰
۱۵۴	آیه ی ۱۴۱
۱۵۴	آیه ی ۱۴۲
۱۵۶	آیه ی ۱۴۳
۱۵۸	آیه ی ۱۴۴
۱۵۹	آیه ی ۱۴۵
۱۶۰	آیه ی ۱۴۶
۱۶۰	آیه ی ۱۴۷
۱۶۱	آیه ی ۱۴۸
۱۶۲	آیه ی ۱۴۹
۱۶۲	آیه ی ۱۵۰

۸۳	آیه ی ۵۹
۸۴	آیه ی ۶۰
۸۴	آیه ی ۶۱
۸۶	آیه ی ۶۲
۸۷	آیه ی ۶۳
۸۸	آیه ی ۶۴
۸۹	آیه ی ۶۵
۹۰	آیه ی ۶۶
۹۰	آیه ی ۶۷
۹۱	آیه ی ۶۸
۹۲	آیه ی ۶۹
۹۲	آیه ی ۷۰
۹۳	آیه ی ۷۱
۹۳	آیه ی ۷۲
۹۴	آیه ی ۷۳
۹۴	آیه ی ۷۴
۹۶	آیه ی ۷۵
۹۶	آیه ی ۷۶
۹۷	آیه ی ۷۷
۹۸	آیه ی ۷۸
۹۹	آیه ی ۷۹
۱۰۱	آیه ی ۸۰
۱۰۲	آیه ی ۸۱
۱۰۲	آیه ی ۸۲
۱۰۳	آیه ی ۸۳
۱۰۴	آیه ی ۸۴
۱۰۵	آیه ی ۸۵
۱۰۶	آیه ی ۸۶
۱۰۷	آیه ی ۸۷
۱۰۸	آیه ی ۸۸
۱۰۹	آیه ی ۸۹
۱۱۰	آیه ی ۹۰
۱۱۰	آیه ی ۹۱
۱۱۱	آیه ی ۹۲
۱۱۲	آیه ی ۹۳
۱۱۲	آیه ی ۹۴
۱۱۳	آیه ی ۹۵
۱۱۴	آیه ی ۹۶
۱۱۵	آیه ی ۹۷
۱۱۶	آیه ی ۹۸
۱۱۷	آیه ی ۹۹
۱۱۸	آیه ی ۱۰۰
۱۱۸	آیه ی ۱۰۱
۱۱۹	آیه ی ۱۰۲
۱۲۱	آیه ی ۱۰۳
۱۲۲	آیه ی ۱۰۴
۱۲۳	آیه ی ۱۰۵
۱۲۴	آیه ی ۱۰۶
۱۲۵	آیه ی ۱۰۷
۱۲۵	آیه ی ۱۰۸
۱۲۶	آیه ی ۱۰۹

۱۶۴.....	آیه ی ۱۵۱
۱۶۵.....	آیه ی ۱۵۲
۱۶۵.....	آیه ی ۱۵۳
۱۶۶.....	آیه ی ۱۵۴
۱۶۷.....	آیه ی ۱۵۵
۱۶۷.....	آیه ی ۱۵۶
۱۶۸.....	آیه ی ۱۵۷
۱۶۹.....	آیه ی ۱۵۸
۱۷۰.....	آیه ی ۱۵۹
۱۷۱.....	آیه ی ۱۶۰
۱۷۲.....	آیه ی ۱۶۱
۱۷۲.....	آیه ی ۱۶۲
۱۷۳.....	آیه ی ۱۶۳
۱۷۴.....	آیه ی ۱۶۴
۱۷۵.....	آیه ی ۱۶۵
۱۷۶.....	آیه ی ۱۶۶
۱۷۷.....	آیه ی ۱۶۷
۱۷۸.....	آیه ی ۱۶۸
۱۷۸.....	آیه ی ۱۶۹
۱۷۹.....	آیه ی ۱۷۰
۱۸۰.....	آیه ی ۱۷۱
۱۸۱.....	آیه ی ۱۷۲
۱۸۱.....	آیه ی ۱۷۳
۱۸۲.....	آیه ی ۱۷۴
۱۸۳.....	آیه ی ۱۷۵
۱۸۴.....	آیه ی ۱۷۶
۱۸۴.....	آیه ی ۱۷۷
۱۸۷.....	آیه ی ۱۷۸
۱۸۸.....	آیه ی ۱۷۹
۱۸۹.....	آیه ی ۱۸۰
۱۹۰.....	آیه ی ۱۸۱
۱۹۱.....	آیه ی ۱۸۲
۱۹۲.....	آیه ی ۱۸۳
۱۹۳.....	آیه ی ۱۸۴
۱۹۴.....	آیه ی ۱۸۵
۱۹۶.....	آیه ی ۱۸۶
۱۹۷.....	آیه ی ۱۸۷
۱۹۹.....	آیه ی ۱۸۸
۲۰۰.....	آیه ی ۱۸۹
۲۰۱.....	آیه ی ۱۹۰
۲۰۲.....	آیه ی ۱۹۱
۲۰۳.....	آیه ی ۱۹۲
۲۰۴.....	آیه ی ۱۹۳
۲۰۵.....	آیه ی ۱۹۴
۲۰۶.....	آیه ی ۱۹۵
۲۰۷.....	آیه ی ۱۹۶
۲۰۸.....	آیه ی ۱۹۷

۲۰۹.....	آیه ی ۱۹۸
۲۱۰.....	آیه ی ۱۹۹
۲۱۱.....	آیه ی ۲۰۰
۲۱۲.....	آیه ی ۲۰۱
۲۱۳.....	آیه ی ۲۰۲
۲۱۴.....	آیه ی ۲۰۳
۲۱۶.....	آیه ی ۲۰۴
۲۱۷.....	آیه ی ۲۰۵
۲۱۷.....	آیه ی ۲۰۶
۲۱۸.....	آیه ی ۲۰۷
۲۲۰.....	آیه ی ۲۰۸
۲۲۱.....	آیه ی ۲۰۹
۲۲۱.....	آیه ی ۲۱۰
۲۲۲.....	آیه ی ۲۱۱
۲۲۳.....	آیه ی ۲۱۲
۲۲۵.....	آیه ی ۲۱۳
۲۲۷.....	آیه ی ۲۱۴
۲۲۸.....	آیه ی ۲۱۵
۲۲۸.....	آیه ی ۲۱۶
۲۲۹.....	آیه ی ۲۱۷
۲۳۱.....	آیه ی ۲۱۸
۲۳۲.....	آیه ی ۲۱۹
۲۳۴.....	آیه ی ۲۲۰
۲۳۵.....	آیه ی ۲۲۱
۲۳۶.....	آیه ی ۲۲۲
۲۳۷.....	آیه ی ۲۲۳
۲۳۸.....	آیه ی ۲۲۴
۲۳۹.....	آیه ی ۲۲۵
۲۴۰.....	آیه ی ۲۲۶
۲۴۰.....	آیه ی ۲۲۷
۲۴۱.....	آیه ی ۲۲۸
۲۴۲.....	آیه ی ۲۲۹
۲۴۴.....	آیه ی ۲۳۰
۲۴۴.....	آیه ی ۲۳۱
۲۴۶.....	آیه ی ۲۳۲
۲۴۷.....	آیه ی ۲۳۳
۲۴۸.....	آیه ی ۲۳۴
۲۴۹.....	آیه ی ۲۳۵
۲۵۰.....	آیه ی ۲۳۶
۲۵۲.....	آیه ی ۲۳۷
۲۵۲.....	آیه ی ۲۳۸
۲۵۴.....	آیه ی ۲۳۹
۲۵۴.....	آیه ی ۲۴۰
۲۵۵.....	آیه ی ۲۴۱
۲۵۶.....	آیه ی ۲۴۲
۲۵۷.....	آیه ی ۲۴۳
۲۵۸.....	آیه ی ۲۴۴
۲۵۸.....	آیه ی ۲۴۵
۲۶۰.....	آیه ی ۲۴۶
۲۶۱.....	آیه ی ۲۴۷

۲۶۲.....	آیه ی ۲۴۸
۲۶۳.....	آیه ی ۲۴۹
۲۶۵.....	آیه ی ۲۵۰
۲۶۵.....	آیه ی ۲۵۱
۲۶۶.....	آیه ی ۲۵۲
۲۶۷.....	آیه ی ۲۵۳
۲۶۸.....	آیه ی ۲۵۴
۲۶۹.....	آیه ی ۲۵۵
۲۷۱.....	آیه ی ۲۵۶
۲۷۲.....	آیه ی ۲۵۷
۲۷۳.....	آیه ی ۲۵۸
۲۷۴.....	آیه ی ۲۵۹
۲۷۶.....	آیه ی ۲۶۰
۲۷۷.....	آیه ی ۲۶۱
۲۷۸.....	آیه ی ۲۶۲
۲۷۹.....	آیه ی ۲۶۳
۲۸۰.....	آیه ی ۲۶۴
۲۸۱.....	آیه ی ۲۶۵
۲۸۲.....	آیه ی ۲۶۶
۲۸۳.....	آیه ی ۲۶۷
۲۸۴.....	آیه ی ۲۶۸
۲۸۵.....	آیه ی ۲۶۹
۲۸۵.....	آیه ی ۲۷۰
۲۸۶.....	آیه ی ۲۷۱
۲۸۷.....	آیه ی ۲۷۲
۲۸۸.....	آیه ی ۲۷۳
۲۸۹.....	آیه ی ۲۷۴
۲۹۰.....	آیه ی ۲۷۵
۲۹۱.....	آیه ی ۲۷۶
۲۹۲.....	آیه ی ۲۷۷
۲۹۳.....	آیه ی ۲۷۸
۲۹۴.....	آیه ی ۲۷۹
۲۹۴.....	آیه ی ۲۸۰
۲۹۵.....	آیه ی ۲۸۱
۲۹۶.....	آیه ی ۲۸۲
۲۹۹.....	آیه ی ۲۸۳
۳۰۰.....	آیه ی ۲۸۴
۳۰۱.....	آیه ی ۲۸۵
۳۰۲.....	آیه ی ۲۸۶
۳۰۴.....	نتیجه گیری
۳۰۵.....	فهرست اعلام (اشخاص)

چکیده:

یاد و نام «ابوالفضل میدی» با تفسیر کشف الاسرار وعده الابرار قرین است که این کتاب خزانه ای است آکنده از لآلی و جواهر، مشتمل بر تفسیر قرآن به سبک مفسرین عامه، و محتوی بر قرائات و اختلاف آنها و شان نزول آیات و بحث در احکام فقیهه و تاویلات عرفانی به سبک صوفیه. مقصود بنده از تدوین این رساله، با عنوان «مقایسه ی محتوایی جلد اول کشف الاسرار با سه تفسیر تخصصی شیعه» نگاه از دریچه ی متون تفسیری به افقهای روشن کلام وحی و تلطیف روح با قطره ای از بی کران لطف آفریدگار بود.

اینجانب در این رساله به مقایسه ی ۲۹۳ آیه از سوره ی حمد و بقره در نوبت ثانیه از تفسیر کشف الاسرار با ترجمه تفسیر طبری و تفاسیر روض الجنان، نمونه، جوامع الجامع و اثنی عشری پرداخته و به طور استنباطی و تحلیلی مطالب را ذکر و شان نزول آیات را نیز درج نمودم.

به لطف خدا و راهنماییهای استادان ارجمند آقاییان دکتر کوشش و دکتر صفرعلیزاده نهایت تلاش را کردم تا در تک تک آیات سوره های حمد و بقره وجود افتراق و اشتراک از تفاسیر مذکور به طور تحلیلی بیان گردد تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

پیشگفتار

«تفسیر قرآن در حدود قرن سوم و چهارم گذشته از ترتیب کار اخوان الصفا که به آن جنبه‌ی عقلی و فلسفی دادند وضع خاص استناد به ماثورات و اخبار و روایات را حفظ کرده بود و مفسران به استناد علوم ادبی و بلاغی و روایات و احادیث، قرآن را تفسیر کرده‌اند نمونه‌ی این گونه تفاسیر مجمع البیان است.

تدریجاً مسائل کلامی و سپس عقلی و منطقی و سرانجام عرفان وارد تفسیر شد و از جمله تفاسیری که جنبه‌ی عرفانی دارد تفسیر کشف الاسرار و عدّه‌الابرار می‌باشد.

کتاب «کشف الاسرار» از نویسنده‌ی بزرگ «رشید الدین میبدی» نگرشی چندبعدی بر قرآن است که در نوبت اولی ترجمه آیات به فارسی روان و فصیح بیان شده است در نوبت ثانیه، که خود مجلّدی پر بار است آیات از صرف و نحو گرفته تا اشتقاق کلمه و شان نزول آیات، وقایع تاریخی و ذکر رجال و حدیث ایشان مورد بررسی قرار گرفته. و اما نوبت ثالثه که ضمن استشهاد از حکایات و روایات و حالات عارفان و صوفیان اصطلاحات صوفیانه و عارفانه را نیز در عبارات به کار برده است.

«مؤلف ارجمند «ابولفضل رشید الدین میبدی» در مقدمه‌ی کتاب بعد از ذکر سبب تالیف، سال تالیف کتاب خود را در ۵۲۰ (ه.ق) قید میکنند و می‌نویسد: «خواجه عبدالله کتابی در تفسیر قرآن داشته که بسیار مجمل بود» و برای اینکه فایده‌ی این اثر عام گردد مؤلف اقدام به شرح و تفصیل آن تحت عنوان «کشف الاسرار و عدّه‌الابرار» کرده است. «شرح و بسطی که تفسیرخواجه عبدالله انصاری بر آن آراسته گشته و از طرف دیگر اختصار و ایجاز فوق‌العاده‌ای که میبدی هنرمندانه انجام داده است فکر آدمی را در زلال کلام فرو برده و روحش را جلا می‌بخشد،

جانی تازه در پهنه ی تفسیر و عرفان به همین علت این تفسیر به تفسیر خواجه عبدالله انصاری شهره گشته است. این کتاب علاوه بر موضوعات دینی و سعی سبز و گسترده در زبان فارسی هست و هنوز هم سهم به سزا و بزرگی در پرمایه ساختن این زبان می تواند داشته باشد. زیرا مترجم با دقت در تمام جوانب کتاب خدا را به فارسی برگردانده و معادل‌هایی گویا و شیوا و کلماتی خوش تراش و خوش آهنگ برابر کلمات قرآن قرار داده و بعد از تفسیر کامل هر آیه به تفسیر عرفانی آن آیه پرداخته است. این جانب به علت علاقه ی خاصی که به متون تفسیری داشتم با مشاورت ادیب گرانقدر جناب آقای دکتر صفرعلیزاده موضوع رساله ام را در باب قرآن و تفسیر آن تحت عنوان «مقایسه ی محتوایی جلد اول کشف الاسرار با سه تفسیر تخصصی شیعه» انتخاب کردم که در شورای محترم استادان تصویب شد، ادیب فاضل جناب آقای دکتر کوشش به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر صفرعلیزاده با کمال لطف و عنایت به عنوان استاد مشاور این جانب در کلیه ی مراحل تدوین و پژوهش یاری نمودند. بنده با نظر اساتید محترم راهنما و مشاور فعالیتیم را در این رساله با جلد اول کشف الاسرار با تصحیح «علی اصغر حکمت» و تفاسیر شیعه ی: ۱- ترجمه ی تفسیر طبری از محمد جریر طبری ۲- تفسیر روح الجنان و روح الجنان (روض الجنان) از ابولفتح رازی ۳- تفسیر نمونه از آیت الله مکارم شیرازی ۴- تفسیر جوامع الجامع از طبرسی ۵- تفسیر اثنی عشری از حسین ابن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، شروع کردم نظر اساتید محترم در علت انتخاب این تفاسیر بر این بود که چون تفسیر طبری قدیمی ترین تفسیر و روض الجنان همانند کشف الاسرار تفسیری عرفانی و دینی است و نمونه هم چون از تفاسیر جدید است، و به علت اینکه طبری در تفسیر خود به توضیح تک تک آیات پرداخته است به دو تفسیر «جوامع الجامع» و «اثنی عشری» نیز رجوع شده و نظر آنها نیز در آیات مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در همه ی تفاسیر مذکور به غیر از روض الجنان فقط از جلد اول تفسیر استفاده شده ولی در تفسیر روض الجنان مجلد های ۲ و ۱ مورد استفاده قرار گرفته.

هرچند اقدام به تحقیق چنین موضوع بدیع و وسیع از توان بنده خارج بود ولی با مساعدت و راهنمایی های مشفقانه ی استادان آقای دکتر کوشش و آقای دکتر صفر علیزاده این مهم انجام گرفت.

با وقوف بر اینکه کمال مطلق خداست به سبب بضاعت اندک بنده این رساله خالی از خطا نبوده ولی از اساتید محترم خوانندگان گرامی استدعا دارم با سعه ی صدر تحمل فرموده و به دیده ی اغماض بنگرند. از کاستی های فراوان پوزش می طلبم که من از بای به گل فروشدگانم و شما از عالی همتان این راه.

زندگی نامه ی ابوالفضل میبدی

نسب و نام ابوالفضل میبدی: از جمله کتابهای دیرینه ی سال پارسی که یک دوره ی کامل ترجمه و تفسیر و تاویل آیات قرآن مجید را در بر دارد تفسیر کشف الاسرار و وعده الابرار است تراوش خامه ی توانای ابوالفضل احمد بست ابی سعد بن احمد بن مهر یزد میبدی^۱.

از این مفسر و نویسنده ی چیره دست شرح حال روشنگر زندگیش بر جای نمانده آنچه به احتمال می دانیم این است که پدرش جمال الاسلام ابی سعد [کذا] ابن احمد مهر یزد متوفی به سال ۳۸۰ می باشد که بنا به روایات منقول در تواریخ یزد از صلحا و عباد و مزارش تا عهد صوفیه برقرار و مورد اعتنا و توجه خاص و عام بوده است.

از القابی که قبل از نام وی آمده مانند امام رشید الدین^۲ و «الشیخ الامام فخر الاسلام» معین السنه... (مقدمه ی جلد هفتم) چنین بر می آید که او از دانشمندان بزرگ مذهبی و مورد تکریم بود و از نسبش به میبد یزد معلوم میشود که با پدرش از زادگاه خود - نواحی مرکزی ایران - کوچ کرده و به خراسان یعنی مشرق کشور های اسلامی آن روزگار که مجمع علم و عرفا بوده رفته و آنجا توطن گزیده است و اینکه نسخ خطی تفسیرش در کابل و بر مزار خواجه عبدالله بنده نیز قریده ای بر این حدس است. ابوالفضل میبدی در آغاز کشف الاسرار تصریح میکند که اوایل سال ۵۲۰ (ه.ق) شروع به تحریر آن کرده، چنانچه می نویسد: «لاجرم بانصد سال گذشت تا این قرآن در زمین میان خلق است»^۳.

و نیز اشاره می کند که تا روزگار او پانصد و اند سال از وفات مصطفی (ص) می گذرد و دین او هر روز تازه تر شده بنابراین حدود تقریبی زندگی او را می توان تخمین زد بخصوص دوران اخیر آن را که زمان فایده رسانی و پدید آوردن آثار علمی بوده، یعنی سال ۵۲۰ که تاریخ شروع این خدمت دینی است.

۱- کشف الاسرار، ج ۱، ص ۱۹۵، ص ۱۴

مؤلف در آغاز کشف الاسرار می گوید وقتی تفسیر خواجه عبدالله انصاری را خوانده و آن را غایت ايجاز یافته بر آن شده که کتاب مفصلی فراهم نماید که در آن حقایق تفسیر و لطایف تذکیر جمع گردد و در این هنگام او بیش از چهل سال داشته است.^۱

کشف الاسرار وعده الابرا

کشف الاسرار که تالیف آن در سال ۵۲۰ آغاز گردید به قرینه ی وجود نسخ کهنی از اجزاء آن و نیز با ملاحظه ی تاثیرات آن در آثار منظوم و منثور عرفانی معلوم می شود که در نخستین قرون بعد از تالیف مورد توجه خاص صوفیان بوده است.

این کتاب از آثار ادبی و تفاسیر قرآنی قیمتی است که ابولفضل میدی آن را در اوایل قرن ششم انشاء کرده است و در حقیقت آینه ی تمام نمای شخصیت و زندگی معنوی اوست که در یک دوره ی کامل ترجمه و تفسیر و تاویل عرفانی کلام الله را در بر دارد و در ده جلد مشتمل بر ۶۴۹۷ صفحه - بدون مقدمه و فهرست ها - چاپ شده و نویسنده در صدد معرفی آن است.

میدی بدون شک به هردو زبان فارسی و عربی تسلط کامل داشته بدین جهت به بهترین وجه از عهده ی بر گرداندن آیات به پارسی برآمده، نثر او در همین ترجمه ها پارسی روان زیباست نه در ترجمه ی تحت اللفظی نارسا که متأثر از عربی است و در عین حال به طور دقیق ترجمان مقصود و معنی آیات است نه ترجمه ی آزاد، بدین سبب امروز نیز خواندنی و قابل استفاده برای طالبان ترجمه دقیق و بلیغ قرآن می باشد.^۲

۱. انتخاب از کتاب «لطائف از قرآن کریم» دکتر مهدی رکنی. ص ۳۰ و ۳۱

۲. همان، ص ۳۳

شیوه ی تفسیر میبدی:

سبک کار مولف در قرآن کریم خاص خود اوست به ترتیب چند آیه را می گیرد و از مجموع آنها به تعبیر خود مجلس می سازد. گفته شده «مجلس به معنی وعظ بوده و نظیر مجالس سبعمی مولوی. تفسیر کشف الاسرار مجموعاً ۴۴۵ مجلس (به طور متوسط هر مجلس ۱۵ صفحه) است و همین که تفسیر عظیم خود را به مجلس ها تقسیم کرده تأیید آن است که حدس زده شده میبدی واعظ بوده است. هر مجلس در سه قسمت بیان می شود و به گفته ی خود میبدی: «شرط ما در این کتاب آنست که مجلس ها سازیم در آیات قرآن بر ولا و در هر مجلس سه نوبت سخن گوئیم: اول پارسی ظاهر بر وجهی که هم اشارات به معنی دارد و هم در عبارات غایت ایجاز بود. نوبت دیگر، تفسیر گوئیم و وجه معانی و قرائنات مشهوره و سبب نزول، و بیان احکام و ذکر اخبار و آثار و نوادر که تعلق به آیت دارد. سه راه دیگر نوبت رموز عارفان و اشارات صوفیا و لطایف مذکران»^۱

آثار ابولفضل میبدی:

بر اساس نوشته ی استاد دکتر مهدی رکنی در کتاب «لطایفی از قرآن کریم» مفسر که خود اهل حدیث و شاید حافظ حدیث بوده، نیز در پی اجرای این سنت سَنَنِهِ کتابی به نام «اربعین» تألیف کرده که در این مورد از تفسیرش نام می برد و آن پس از نقل روایتی که این چنین می نویسد:

«اصلی عظیم است این خبر در علوم حقایق و تمکین ارباب معارف، و ماشرح آن را در در کتاب اربعین مستوفی گفته ام، کس که این بیان خواهد از آنجا طلب کند»^۲.

اثر دیگری نیز به میبدی نسبت داده اند که ظاهراً ترجمه ی «کتاب الفصول» و سر آغازش چنین است: «کتاب الفُصول صَنَّفَهُ الشَّيْخُ الامامُ الاستاد ابولقاسم یوسف بن الحسین بن یوسف هروی أَسْتَخْرَجَهُ الشَّيْخُ الامامُ الحافظ رشید الدین ابولفضل میبدی» این رساله از

^۱ محققه ی کتاب «هنگامی روز عشق» دکتر محمد امین ریاحی

^۲ کشف الاسرار، ج ۵، ص ۲۹۹

یک مقدمه و ۶ فصل در ستایش و در مقدمه‌ی گزیده‌ی کشف الاسرار دکتر انزابی درباره‌ی کتاب الفصول چنین بیان شده:

سلاطین، وزراء، عمدا، روسا، سادات، قضات آمده است و برای هر گروه سه فصل اختصاص یافته، هیچ‌جا از اشخاص به صراحت نام نرفته و همه‌جا از اسم کنایه‌ی فلان استفاده شده است.^۱

«ترجمه‌ی تفسیر طبری»

ترجمه‌ی تفسیر طبری از مولف گرانقدر «محمد بن جریر» فقیه و دانشمند و مورخ ایرانی می‌باشد. وی خواهرزاده‌ی «ابوبکر خوارزمی» بوده و رد بیشتر علوم تالیف داشت.^۲

آثار دیگر مولف: جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر کبیر) - ترجمه‌ی تفسیر طبری - تاریخ بلعی - تاریخ الامم و الملوک مشهور به تاریخ طبری.^۳

روش تفسیر طبری: طبری در تفسیر خود «روایات» و «درایات» را جمع کرد و با این حال از میان این دو بیشتر جانب «روایات» گرفت و بدین سبب کتاب تفسیر وی مقبول مسلمین شد. طبری معتقد بود که در تفسیر قرآن، رای دخالتی ندارد مگر در تفسیر لغوی. و اصلاً تفسیر مبتنی بر رای مقبول نظر مسلمین نبود.^۴

۱. گزیده‌ی کشف الاسرار، دکتر رضا انزابی نژاد، ص ۱۱.

۲. فرهنگ معین، لیل کلمه‌ی «طبری».

۳. تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، ج ۱، ص ۷۰.

۴. تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، ج ۱، ص ۶۹.

سبک نگارش: ویژگی ها و مختصات این کتاب قریب به ترجمه ی تاریخ طبری است، جز آنکه رنگ ترجمه در وی آشکارتر است تا در تاریخ، و ناگزیر لغات قرآنی در وی زیادتر است و گاهی لغات فارسی غریب که در ترجمه ی کلمات قرآنی بدان نیازمند بوده اند نیز آورده اند.^۱

لغات از مفرد غایب به متکلم وحده یا از جمع غایب به متکلم مع الغیر و آوردن ضمیر منفصل «من» به جای «او» و ضمائر متکلم به جای ضمیر غائب، از شیوه ی کار طبری است.^۲

از وجوه اهمیت این کتاب، یکی عظمت آن و دیگری اشتغال آن بر مقدار فراوانی از لغات و مفردات فارسی که در برابر ترجمه ی مفردات و ترکیبات قرآن آورده شده است.^۳

ترجمه ی تفسیر طبری «به تصحیح و اهتمام» مرحوم حبیب یغمایی «در هفت مجلد، از سوی انتشارات دانشگاه تهران» در سال ۱۳۴۴ (ه.ش) در چاپخانه ی دولتی ایران به چاپ رسید.^۴

«تفسیر روح الجنان و روح الجنان (روض الجنان)»

این تفسیر به قلم «شیخ جمال الدین ابولفتوح حسین بن علی بن محمد بن احمد بن احمد خرازی» از علمای نامدار شیعه در علوم دینی در نیمه ی نخستین سده ی ششم هجری است.^۵

۱- سبک شفاهی بهار، ج ۲، ص ۱۷

۲- همان، ج ۱، ص ۶۰

۳- تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، ج ۱، ص ۲۲۰

۴- مقدمه ی مصحح بر ترجمه ی طبری

۵- مجلس المومنین، چاپ سنگی ۱۲۶۸ ش تحقیق در تفسیر ابولفتوح رازی دکتر حقوقی چاپ دانشگاه تهران

تالیفات شیخ ابوالفتوح:

تفسیر روض الجنان - رُوح الاحباب و رُوح الالباب - شرح شهاب ۱.

ویژگی های سبک روض الجنان :

مؤلف در این کتاب اصطلاحات خاصی دارد که در عصر او میان مردم متداول بوده است و در روزگار ما، مردم بدان مانوس نیستند، مانند:

(۱) جمع مخاطب به صورت مفرد آورده شده.

(۲) فعل ماضی متکلم و حده بدین صورت (رفتمانی، گفتمانی، کردمانی) آورده شده است.

(۳) فعل مجهول عربی بیشتر به صورت فعل منسوب به جماعت ترجمه شده است.

(۴) «چند» در غیر معنی استفهامی و به معنی «اندازه» و «مقدار» آورده شده است.

(۵) اسقاط کلمه ی «ابن» به معنی «پسر» که در بسیاری از موارد میان دو اسم می اندازند مثلاً «محمد مسلم» به جای «محمد بن مسلم».

(۶) کاربرد «عنده» به معنای «نزد»، «أحبب» به معنای «گمان دارم و معتقدم».

روش تفسیر ابوالفتوح:

تفسیر ابوالفتوح، از جهت فصاحت لفظ و عبارتبر همه ی تفاسیر فارسی شیعه رجحان دارد. با اینکه مؤلف اصلاً از نژاد عرب است و خود در ادب و زبان فارسی از نظم و نشر بخیر کامل دارد، کتاب او از بزرگترین نمونه های نشر فصیح فارسی است و آن لطف تحریر و عذوبت بیان که در آن است، در سایر تفاسیر نیست و اگر عبارت او برای مردم روزگار ما اندکی غیر مانوس است با اندک ممارست می توان با آن مانوس شد.

در ادب و بیان و صرف و نحو و لغت و امثال آن غایت جهد به کار برده است و منتهای تحقیق به عمل آورده و از هیچ جهت فروگذاری نکرده است. آن اندازه شواهد از اشعار عرب و امثال که برای بیان لغت و قواعد زبان عرب آورده است که در هیچ یک از تفاسیر مانند «کشاف» و «طبری» نمی یابیم.

یقین است که احتیاج مفسر به عربی بیش از سایر علوم است و فهم قرآن بیش از هر چیز محتاج وقوف و اطلاع در ادب عربی می باشد و برای این منظور بود که صرف و نحو و لغت و سایر علوم عربی پدید آمد و به تدریج بدون گشت چنانچه رشد علوم ادبی در هیچ زبانی به اندازه ی عربی نیست.^۱